



بررسی ابعاد فردی و اجتماعی الگوی اقتصادی اسلامی در سیره امام کاظم (علیه السلام)

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۷

محمد دانش نهاد^۱، محمد حسن وکیلی^۲

چکیده

دوران ۳۵ ساله امامت امام کاظم (علیه السلام) یکی از زمینه‌های بسیار مهم در باب شناخت الگوی اقتصادی اسلامی محسوب می‌شود؛ چراکه طولانی بودن مدت امامت در مقایسه با دیگر ائمه از سویی و شرایط اجتماعی پدید آمده از سوی دیگر موجب شد فعالیت‌های اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) ظهور و بروز خاصی بیابد. این تحقیق مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و تحلیل اطلاعات در پی آن است که با بررسی ابعاد فردی و اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) با الگوگیری از آن راه‌حلی در باب تحقق اقتصاد اسلامی ارائه کند. از جمله نتایج این تحقیق عبارت است از: ۱. ابعاد فردی اقتصادی در زندگی امام کاظم (علیه السلام) را حداقل در سه زمینه می‌توان مشاهده کرد: زهد، قناعت و ترک نیازهای باطل؛ کار و تلاش و ایثار و از خودگذشتگی. ۲. ابعاد اجتماعی اقتصادی در سیره امام کاظم (علیه السلام) نیز به‌طور کلی، در سه حوزه یافت می‌شود: مدیریت کلان مسائل اقتصادی؛ جذب سرمایه‌های بعید الوصول و کیفیت صرف سرمایه‌ها برای فقرزدایی از جامعه. ۳. از جمله الگوهای اجتماعی اقتصادی از سیره امام کاظم (علیه السلام) آن است که در صورت کمبود منابع مالی به جای آنکه به تعداد بیشتری از فقرا احسان شود، تعداد کمتری مورد احسان قرار گیرند؛ اما در مقابل، به قدری به آن‌ها رسیدگی شود که بتوانند زندگی مستقلی را تشکیل دهند.

کلیدواژه‌ها: امام کاظم (علیه السلام)، زهد، ایثار، مدیریت کلان، شبکه وکلا، فقرزدایی.

۱. دکترای الهیات دانشگاه یاسوج و طلبه سطح ۳ کلام و حکمت حوزه علمیه مشهد (نویسنده مسئول): M_borosdar@yahoo.com

۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه مشهد: Mohammadhasanvakili@gmail.com

مقدمه

در زندگی امام کاظم (علیه السلام) که ۳۵ سال مدیریت جامعه اسلامی را بر عهده گرفتند، نمونه‌های فراوانی از ابعاد فردی و اجتماعی یافت می‌شود که در پی آن می‌توان زمینه‌های زندگی سالم را از لحاظ اقتصادی فراهم کرد و علاوه بر این، از چنین سیره‌ای در انسجام‌بخشی به اقتصاد اسلامی در جامعه بهره برد. ابعاد فردی آن اموری همچون زهد و قناعت و ترک نیازهای باطل، کار و تلاش و ایثار است؛ ابعاد اجتماعی آن نیز مربوط به مدیریت کلان مسائل اقتصادی، جذب سرمایه‌های بدیع الوصول و کیفیت صرف سرمایه‌ها برای فقرزدایی است که در این مقاله هر یک به تفصیل بحث می‌شود.

محققان درباره اقتصاد اسلامی روش‌های متفاوتی را در پرداختن آن به کار گرفته‌اند. برخی در پی به دست آوردن امور اخلاقی در اقتصاد اسلامی از طریق ادله بوده‌اند (شریفی، ۱۳۹۰؛ حسینی، ۱۳۹۹)، برخی دیگر اقتصاد اسلامی را از حیث حکمت عملی بحث کرده‌اند (فراهانی فرد، ۱۳۹۸) برخی نیز به دنبال به کارگیری روش‌های تجربی در اقتصاد اسلامی بوده‌اند (بهشتی، ۱۳۹۹). این تحقیق همسو با روش اول است؛ چراکه در پی ارائه راهبردهایی فردی اجتماعی از سیره امام کاظم (علیه السلام) درباره امور اقتصادی است.

برای پویایی جامعه اسلامی از لحاظ اقتصادی، از سویی وظایفی بر عهده تک تک افراد جامعه و از سوی دیگر وظایفی بر عهده حکومت اسلامی قرار می‌گیرد.

سیره امام کاظم (علیه السلام) در ابعاد فردی نشانگر آن است که حتی اگر حکومت اسلامی در زمانی وجود نداشته باشد، باز هم تمام مسلمانان وظایف اقتصادی بر عهده دارند تا فشار اقتصادی بر افراد کم‌برخوردار کاهش یابد؛ چه برسد به آنکه حکومت اسلامی برقرار شود که در چنین حالتی نه تنها وظایف افراد کاهش نمی‌یابد، افزایش نیز می‌یابد؛ چراکه وجود مشکلات اقتصادی در جامعه اسلامی خود می‌تواند اسباب ضعف در حکومت اسلامی را فراهم آورد و توجه نکردن به وظایف فردی در این باب از دو حیث باعث مذمت می‌شود: ۱. از حیث توجه نکردن به نیاز برادران دینی ۲. از حیث ایجاد خلل در اجرای امور توسط حکومت اسلامی.

ابعاد اجتماعی سیره اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) نیز در ابتدا می‌تواند راهبردهای اقتصادی به حکومت اسلامی نشان دهد و از سوی دیگر، اگر حکومت اسلامی نیز وجود نداشت ولی اجتماعات دینی در یک جامعه وجود داشت، باز هم این ابعاد اجتماعی می‌تواند در رفع مشکلات اقتصادی تأثیرگذار باشد؛ اگرچه تأثیرات چنین اقداماتی در حکومت اسلامی به جهت بسط ید بیشتر است.

۱. پیشینه تحقیق

تاکنون درباره سیره امام کاظم (علیه السلام) مقالات گوناگونی به رشته تحریر درآمده است. برخی از جنبه اجتماعی و ظلم‌ستیزی این سیره را بررسی کرده (پاک‌نیا، ۱۳۸۳: ۴۰-۵۱)، برخی دیگر، از منظر علوم قرآنی به تحلیل بیانات امام کاظم (علیه السلام) پرداخته (شمخی و باجی، ۱۳۹۳: ۱۷۳-۱۸۸) و برخی دیگر از منظر سیاسی، روابط برمکیان با امام کاظم (علیه السلام) را بررسی (شاهرخی، ۱۳۹۹: ۵۹-۸۳) یا راهبرد امام کاظم (علیه السلام) را در برابر خلفای بنی‌العباس تحلیل کرده‌اند (پورفرد، ۱۳۹۲: ۴۷-۸۲). علاوه بر این، جنبه‌های دیگر این سیره همچون جنبه‌های فقهی (صادقی اردستانی، ۱۳۹۳: ۴۳-۵۲)، تربیتی (همت بناری، ۱۳۷۷: ۹-۱۲)، عرفانی (سوری، ۱۳۹۲: ۱۵۳-۱۷۰) و کلامی (طباطبایی؛ بهرامی، ۱۳۹۱: ۷۳-۱۰۶؛ چلونگر و نجاتی، ۱۳۹۴: ۷-۳۰) آن نیز مورد توجه محققان قرار گرفته است. از لحاظ اقتصادی، تنها به برخی انفاق‌ها و بخشش‌های امام کاظم توجه شده (حسینی، ۱۳۹۹: ۵۰-۶۱) که در مقام مقایسه با تحقیق پیش رو از جنبه‌های گوناگون متفاوت است؛ چراکه در تحقیق پیش رو ابعاد فردی و اجتماعی این سیره به‌عنوان الگوی اقتصاد اسلامی مطرح شده است که می‌تواند راهبردها و راهکارهایی در این باره ارائه دهد که سه مورد از ابعاد فردی و سه نمونه از ابعاد اجتماعی و کلان سیره اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) بررسی و تحلیل شده است. به این موارد تاکنون در مقالات توجه نشده است.

۱-۱. مسئله و روش تحقیق

مسئله اصلی تحقیق مبتنی بر این نکته است که از سیره اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) چه ابعاد فردی و اجتماعی می‌توان استنباط نمود و به عنوان الگو و معیار ارائه نمود؟ برای

پاسخ به این مسأله بایستی به تحلیل روایاتی پرداخت که سیره اقتصادی این امام معصوم را بیان می‌نماید لذا این تحقیق مبتنی بر روش کتابخانه‌ای، جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل و تفسیر آن است.

۲. ابعاد فردی اقتصادی در زندگی امام کاظم (علیه السلام)

ابعاد فردی مؤثر در الگوی اقتصادی اسلام از زندگی امام کاظم (علیه السلام) را می‌توان در سه بخش پیگیری کرد که در ادامه هر یک به طور متمایز بحث می‌شود.

۲-۱. زهد و قناعت و ترک نیازهای باطل

یکی از مؤلفه‌های اساسی فردی در زندگی اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) مسئله زهد و قناعت ایشان است که هر یک نقشی بسزا در اصل مصرف و چگونگی آن دارد که در مقابل آن دو مسئله اسراف قرار می‌گیرد که مربوط به مصرف بی‌جا یا زیاده‌روی در مصرف است. زمانی که مشکلات اقتصادی پدید می‌آید افراد به دنبال حل آن خواهند بود، در حالی که زهد و قناعت به انسان می‌آموزد که بسیاری از اموری که برای خود نیاز می‌پندارد حقیقتاً نیاز نیستند. به همین خاطر است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را گنجی پایان‌ناپذیر توصیف می‌کنند به گونه‌ای که افراد ناتوانی که به جهت حفظ آبرو از اغنیا طلب نمی‌کنند، برتر از اغنیایی می‌دانند که به خاطر خداوند در برابر فقرا تواضع می‌کنند (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۵۴). یکی از اصحاب می‌گوید خدمت امام کاظم (علیه السلام) وارد شدم در حالی که تنه‌ها سبدي ساخته شده از لیف خرما، یک جلد قرآن و یک جلد شمشیر داشتند و چیز دیگری در آن نبود^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۱۰۰؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۲۱: ۱۹۶؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۷: ۲۷۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۱۰۲) در حالی که امام کاظم (علیه السلام) از لحاظ مالی در مضیقه نبودند و اموال بسیار زیادی در اختیار داشتند. البته به حسب مقتضیات زمانی نیازها متفاوت می‌شود؛ اما باید از نحوه زندگی امام کاظم (علیه السلام) الگو گرفت تا به تناسب زمان خود طوری زندگی کرد که آثار سادگی و عدم تجمل در آن پدیدار شود.

۱. «ما أحسن تواضع الأغنياء للفقراء طلباً لما عند الله و أحسن منه تيه الفقراء على الأغنياء اتكالا على الله القناعة كنز لا يفقد». ۲. «محمد بن عیسی عن إبراہیم بن عبد الحمید قال دخلت على أبي الحسن الأول (علیه السلام) فی بيته الذی كان یصلی فیہ فإذا لیس فی البیت شیء إلا خضفة و سیف معلق و مصحف».

متأسفانه تأکیدات رسانه، کتاب‌ها و معلمان در مسئله اسراف همیشه صرفاً این‌گونه بوده است که انسان از اموری که در اختیار دارد به‌درستی استفاده کند؛ اما کمتر به این مسئله پرداخته می‌شود که آیا از برخی امور اصلاً استفاده‌ای شود یا نه؟ به‌عنوان نمونه، استفاده از فضای مجازی در موارد بی‌فایده خود مصداقی از اسراف است یا تشریفات بسیاری که برای مجالس عروسی روزبه‌روز افزوده می‌شود از مصادیق اسراف است؛ اگرچه در پی مخارجی که صورت می‌گیرد افرادی بهره‌مند می‌شوند. در سیره ائمه (علیهم السلام) دو عنوان در زمینه اقتصاد وجود دارد: چه چیزی مصرف شود؟ چگونه مصرف شود؟ هر دو عنوان در زندگی صحیح و جلوگیری از اسراف به‌عنوان اصول و پایه‌های زندگی سالم از لحاظ اقتصادی است که بسیاری از موارد در پاسخ به این سؤالات با عناوین لغوی (مؤمنون، ۳)، لهویا لعب قرار می‌گیرد که در دین مبین اسلام به کرات نکوهش شده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۲۸۲؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۹۶).

ممکن است این‌گونه تصور شود که اگر چنین زندگی رقم بخورد موجبات خستگی، افسردگی و دلتنگی می‌شود و دستیابی به آرامش و آسایش نیازمند استفاده از ابزارهای گوناگون است. پاسخ این مسئله در رفتارهای اهل بیت (علیهم السلام) موجود است چنان‌که در زندگی امام کاظم (علیه السلام) که از غذا و امکانات خاصی بهره‌مند نبودند بیشترین میزان آرامش وجود داشت. در احوالات امام کاظم (علیه السلام) آمده است که پس از نماز صبح و تعقیبات نزدیک طلوع آفتاب به سجده می‌رفتند و نزدیک اذان ظهر برمی‌خاستند و مکرر از خداوند متعال می‌خواستند که راحتی هنگام مرگ و عفو هنگام حساب را عنایت فرماید. این‌ها به‌عنوان برنامه ثابت برای حضرت کاظم (علیه السلام) گزارش شده است؛ چه در زمانی که در زندان به سر می‌بردند و چه در زمانی که این چنین نبود (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۳۱؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۲۴۹). آرامش امام کاظم (علیه السلام) به امور معنوی بوده است (حرعاملی، ۱۴۱۸ق،

۱. «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ».

۲. «كان أبو الحسن موسى (عليه السلام) أعبد أهل زمانه و أفقههم و أسخاهم كفا و أكرمهم نفسا و روى أنه كان يصلي نوافل الليل و يصلها بصلاة الصبح ثم يعقب حتى تطلع الشمس و يخر لله ساجدا فلا يرفع رأسه من السجود و التحميد حتى يقرب زوال الشمس و كان يدعو كثيرا فيقول اللهم إني أسألك الراحة عند الموت و العفو عند الحساب و يكرر ذلك»

ج ۳: ۳۲۲؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۲۹) همان‌طور که سجده طولانی از سنن انبیا، آداب اسلامی و علامات مؤمنین است (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۴۰).

چنان‌که نظیر انس یافتن با امور معنوی به جای امور مادی را در میان اصحاب ائمه می‌توان مشاهده کرد. کشی از فضل بن شاذان روایت کرده است که به نزد ابن ابی عمیر رفتم او در سجود بود و سجده بسیار طولانی کرد و چون سر برداشت فضل تعریف طول سجده او کرد و گفت که اگر سجده‌های طولانی جمیل بن دراج را می‌دیدید سجده مرا مدح نمی‌کردی و چنان‌که تو بر من وارد شدی من نیز بر جمیل وارد شدم و دیدم که او سجده بسیار طولانی کرد پس چون سر برداشت به او گفتم تعجب خود را از سجود طولانی او گفت این سهل است اگر سجود معروف بن خربوذ را می‌دیدید این سجده در نظرت اعتبار نمی‌داشت (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۶۱۱). زمانی که ربط انسان با عالم معنا و انسش با خداوند متعال برقرار نشد، طبیعتاً به دنبال درمان دردهای خود در دنیا خواهد بود. لذا آرامش او به امور مادی همچون خانه و ماشین و ... خواهد بود و هیچ‌گاه به آرامشی واقعی و پایدار دست نمی‌یابد چنان‌که خداوند متعال چنین آرامشی را منحصر در یاد خود معرفی کرده است (رعد، ۲۸).

چنان‌که غالب اشخاصی که در سلول انفرادی قرار گیرند مشکل روانی پیدا می‌کنند چون همیشه آرامش خود را در بیرون از خود می‌یابد و زمانی که از بیرون بریده می‌شوند تحت فشار قرار می‌گیرند و احساس کمبود و سختی می‌کنند؛ اما امام کاظم (علیه السلام) دقیقاً عکس چنین حالتی برایشان پیش می‌آمد و در مدتی که خلوت خاصی برای ایشان از طریق حبس کردن ایشان در زندان فراهم شد، این دعا را بسیار به درگاه الهی عرض می‌کردند که من از تو تقاضا کردم که مکانی فارغ و خلوت برایم فراهم نمایی تا تورا عبادت کنم و تو را شکر می‌کنم که دعایم را استجابت کردی. من را از مردم جدا کردی و در این خلوت قرار دادی تا شبانه‌روز فقط به عبادت مشغول باشم (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق،

۱. «عن هشام بن أحمر قال كنت أسير مع أبي الحسن (عليه السلام) في بعض أطراف المدينة إذ ثنى رجله عن دابته فخر ساجدا فأطال و أطال ثم رفع رأسه و ركب دابته فقلت جعلت فداك قد أطلت السجود فقال إنني ذكرت نعمة أنعم الله بها علي فأحببت أن أشكر ربي.»

ج ۶: ۳۵۷). برای امام کاظم (علیه السلام) بودن در یک زندان انفرادی تاریک در یک سیاهچال موجب شوق است؛ چراکه موجب برقراری ارتباط بیشتر با خداوند متعال است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴: ۳۱۸).

زمانی که انسان به دنبال عالم ظاهر و دنیا باشد با جدایی از آن احساس کمبود می‌کند؛ اما اگر انسان ارتباط درونی خود با خداوند را بیابد و با ملکوت ارتباط برقرار کند، نه تنها به امور مادی دلبستگی پیدا نمی‌کند و با فقدان آن احساس کمبود نمی‌یابد بلکه انقطاع از عالم دنیا یکی از خواسته‌های او خواهد بود. چنان که ائمه در دعا این چنین تعلیم فرموده‌اند که باید از خداوند متعال طلب شود که انسان از تمام ماسوی الله بریده شود و تنها سعادت خود را در این بداند که مورد نظر خداوند متعال قرار گیرد (راوندی، ۱۴۰۷ ق: ۵؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ۶۸۷) یا اینکه از خداوند متعال این چنین درخواست می‌کنند که بی‌نیازی از غیر با ارتباط یافتن به خداوند متعال در درون‌شان نهادینه شود (ابن طاووس، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۳۴۲؛ حلی، ۱۴۰۸ ق: ۳۷۵). تلقی امور مادی و دنیوی به عنوان مسائل حقیقی به جهت تربیت نادرست است و الا اگر مسیر تربیت اسلامی به درستی طی شود، اشخاص تنها در پی خلوت کردن با خداوند متعال خواهند بود و اگر به امور دنیوی هم پردازند به لحاظ ربط آن‌ها با خداوند متعال است.

یکی از امور اساسی در بحث فرهنگ‌سازی این است که نهادهای فرهنگی و آموزشی برای ترویج فرهنگ اسلامی، اعراض از دنیا و اقبال به آخرت را در قلب افراد ترویج کنند به گونه‌ای که با استفاده از منابع تولیدشده این نگرش در افراد ایجاد شود که امور دنیایی همچون شهرت و اندوخته‌های دنیوی پست و ناچیزند و آنچه عظمت و علو دارد عالم ملکوت و امور اخروی و برقراری ارتباط با خداوند متعال است.

۲-۲. کار و تلاش در مسیر فراهم کردن درآمدهای اقتصادی

یکی دیگر از ابعاد فردی اقتصادی در اسلام این است که هر کس به قدر توان خود باید در جامعه تلاش کند (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۴۰۷؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۹) چنان که در آیات قرآن کریم به این مسئله توجه شده است که انسان تنها از طریق سعی و تلاش

است که می‌تواند به سعادت دست یابد^۱ (نجم، ۳۹) و در روایات امور متقابل با سعی و تلاش را که تنبلی و بی‌حوصلگی است کلید هر بدی دانسته‌اند (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۶: ۴۶۴).

کار و تلاش بسیار را به‌وضوح در سیره امام کاظم (علیه السلام) می‌توان مشاهده کرد. شخصی به خدمت امام کاظم (علیه السلام) در یکی از زمین‌های زراعتی می‌رسد و حضرت را مشغول زراعت می‌بیند به‌گونه‌ای که پاهای حضرت غرق در عرق بود. لذا سؤال می‌نماید غلامانی که باید کار کنند کجا هستند؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: کسانی برای کسب روزی حلال تلاش و کار کردند که از من و پدرم بهتر بودند؛ کسانی همچون پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) و تمام پدرانم سیره‌شان این چنین بود که با دستان خود به دنبال کسب روزی حلال می‌رفتند و این سیره انبیا، رسولان، اوصیا و صالحان است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۶؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۶۲).

تلاش برای کسب روزی حلال در فرهنگ اسلام به‌عنوان افتخار و سعادت و بی‌توجهی به آن را مایه لعن (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۲: ۸۶) و گناهی نابخشودنی و موجب هلاکت (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۵۴؛ علوی عاملی، ۱۳۹۹، ج ۲: ۱۲۱) تلقی شده است؛ چنان‌که در روایات چنین اشخاصی همانند مجاهدان فی سبیل الله (حلی، ۱۴۰۷، ج ۸۲؛ ابن بابویه، ۱۴۱۵، ج ۳۶۱) و در برخی دیگر از مرتبه مجاهدان نیز بالاتر محسوب شده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۹: ۳۷). پس هر کسی در هر زمینه‌ای که می‌تواند باید تلاش کند و وقت خود را به امور بیهوده سپری نکند که این امور در واقع ضربه زدن به نظام اقتصادی یک جامعه اسلامی است.

۲-۳. ایثار کردن نسبت به فقرا

یکی از پایه‌های اقتصاد اسلامی برای ریشه‌کن کردن فقر و حل معضلات اقتصادی، وجود حس گذشت، ایثار و همکاری میان انسان‌هاست که در آیات قرآن (حشر، ۹) و

۱. «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى».

۲. «الْكسَلُ وَالضُّجْرُ فَإِنَّهُمَا مُفْتَاحُ كُلِّ سُوءٍ إِنَّهُ مَنْ كَسَلَ لَمْ يُوَدِّ حَقًّا وَمَنْ ضَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ».

روایات به صورت فراوان تأکید شده است به گونه‌ای که شخص در عین نیاز خود به چیزی آن را در اختیار دیگری قرار دهد (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴: ۴۴؛ الحویزی، ۱۴۱۵: ج ۵: ۲۸۷). چنان که امام کاظم (علیه السلام) این چنین به این مسئله اصحاب خود را متوجه می‌کنند که زمانی با برادران ایمانی خود حب فی الله دارید و وصلت حقیقی میان برادران دینی برقرار می‌شود که اگر آن‌ها محتاج باشند بتوانند بدون اجازه از اموال شما استفاده و نیازهای خود را برطرف کنند (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۵: ۳۶). ایثار و از خودگذشتگی اساس حل مشکلات اقتصادی در جامعه اسلامی است که از طریق آن افراد توانمند نیازهای انسان ناتوان را حل کنند، چنان که اگر متمولان به وظایف شرعی مالی خود یعنی خمس و زکات مقید باشند بسیاری از مشکلات اقتصادی حل می‌شود چنان که رهبر کبیر انقلاب یکی از ادله اثبات ولایت فقیه را مسئله پرداخت خمس و زکات دانستند؛ چرا که از این طریق سرمایه اقتصادی عظیمی شکل می‌گیرد که حتی نیازهای مالی حکومت اسلامی را برطرف می‌کند. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: «مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته، نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر نیست بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است» (خمینی، ۱۳۵۶: ۳۴).

چنین اشاری را نه تنها در سیره امام کاظم (علیه السلام) بلکه با هدایت ایشان در اصحاب‌شان نیز مشاهده می‌شود. شخصی از متمولان ری مقدار زیادی بدهکاری به حاکم ری پیدا می‌کند به گونه‌ای که باید همه دارایی‌های خود را بدهد و در فقر و فلاکت زندگی کند. از آنجا که شنیده بود حاکم ری از محبان امام موسی کاظم (علیه السلام) و شیعیان است، تصمیم می‌گیرد در موسم حج از امام کاظم (علیه السلام) بخواهد که حاکم ری بدهی‌های وی را ببخشد. اجمالاً این مطلب مسلم است که پرداخت بدهی‌ها به حکومت ظالم واجب نیست چون حکومت اسلامی نیست تا احترام داشته باشد (انصاری، ۱۴۱۵: ج ۲: ۲۲۵)؛ حاکم ظالم است و اموال مردم را ظالمانه دریافت می‌کند و در ازای اموالی که می‌گیرد، مسئولیتی ندارد. امام کاظم (علیه السلام) در ازای درخواست شخص متمول، نامه‌ای کوتاه به این صورت نوشتند: بسم الله الرحمن الرحيم بدان در زیر عرش خداوند سایه‌ای وجود دارد که در آن کسی ساکن

نمی‌شود مگر کسی که به برادر مؤمن خود خدمت و نیکی نموده یا مشکلی را حل کرده باشد^۱ و این کسی که نامه را به سوی تو می‌آورد برادر ایمانی تو است. شخص متمول نزد حاکم می‌رود و حاکم پس از خواندن نامه به غلام دستور می‌دهد تمام اموال وی را بیاورد تا نصف آن را به شخص متمول بدهد؛ دیوان بدهی‌ها را هم می‌آورد و تمام بدهی‌های وی را هم پاک می‌نماید تا از امر مولای خود امام کاظم (علیه السلام) اطاعت کرده باشد و قلب ایشان را مسرور کند (دیلمی، ۱۴۰۸: ۲۸۹).

حل مشکلات اقتصادی در جامعه اسلامی تنها به این نیست که دولت بنگاه‌های اقتصادی را به راه بیندازد و واردات و صادرات را کنترل کند، بلکه هر کسی به میزان خود در این مسئله سهمی دارد. متأسفانه مجموعه‌های فرهنگی همچون هیئت‌های مذهبی تنها هویت فرهنگی یافته است و از بعد عملی خود مقداری دور شده‌اند در حالی که زمان پیشین مساجد، امور خیریه و تعاونی داشتند و مؤمنان علاوه بر تجمعات برای روضه‌خوانی واقعاً وحدت قلبی داشتند و هر کسی که از درآمد خود مال اضافه‌ای داشت در اختیار خیریه قرار می‌داد. زمانی که وحدت قلوب باشد خداوند در آن برکت قرار می‌دهد و امور را به لطف و برکت خویش پیش می‌برد^۲ (فصلت، ۳۰).

۳. فعالیت‌های اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) در بُعد اجتماعی

از لحاظ اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) را می‌توان در سه زمینه مدیریت کلان، جذب سرمایه و کیفیت صرف سرمایه بررسی کرد.

۳-۱. مدیریت کلان مسائل اقتصادی

مدیریت کلان منابع مالی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی است، چراکه هر جامعه‌ای اوضاع گوناگونی را از لحاظ اقتصادی تجربه می‌کند به گونه‌ای که گاه بی‌توجهی به مخاطرات اقتصادی داخلی و خارجی، ضربه‌ای مهلک و غیرقابل جبران بر پیکر آن وارد

۱. «إِنَّ اللَّهَ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ ظِلَالٌ لَا يَسْكُنُهُ إِلَّا مَنْ نَفَسَ عَنْ أَخِيهِ كَرِبَةً أَوْ أَعَانَهُ بِنَفْسِهِ أَوْ صَنَعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفًا وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ وَ هَذَا أَخْوَكُ وَ السَّلَامُ»

۲. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْبَشُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ».

می‌کند. این مسئله به قدری اهمیت دارد که مقام معظم رهبری در ابتدای ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی پیش از دیگر موارد این‌گونه تنبیه می‌دهند: «ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخایر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، بر خور داری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صفا آری کرده، به شکست و عقب‌نشینی و می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

با توجه به اهمیت چنین شاخص اقتصادی یکی از فعالیت‌های امام کاظم (علیه السلام) در بُعد اجتماعی، مدیریت کلان سرمایه‌های شیعه قرار گرفت. امام کاظم (علیه السلام) با توجه به فرصتی که بعد از کنار رفتن بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس پیش آمد، تشکیلات و کلا را در جهان اسلام راه‌اندازی کردند که تا عصر امام زمان (علیه السلام) ادامه داشت. ایشان در هر شهری شخصی را به عنوان نایب برای خود قرار دادند، مجموعه اختیاراتی را به او تفویض و آن‌ها را به شیعیان آن منطقه معرفی کردند تا از طریق شبکه و کلا امور شیعیان را در جهان اسلام مدیریت کنند. یکی از شواهد این امر در سعایت‌هایی است که افراد پیش هارون از شیعیان می‌کردند بدین صورت که آن‌ها امام کاظم (علیه السلام) را پیشوای خود می‌دانند و خمس خود را پیش او می‌فرستند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۳۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۲۱۹). مدیریت متمرکز سرمایه‌ها یکی از اصول اساسی اقتصادی برای مصرف صحیح آن است. بدیهی است چنین تشکیلاتی برای هارون و خلفای عباسی هراس‌انگیز بود؛ زیرا از این طریق تمام اموال شیعیان به طور متمرکز مدیریت می‌شد و در سیطره تام حکومتی آن‌ها

خلل وارد می‌کرد. در دوره‌های قبل از امام کاظم (علیه السلام) ائمه امکان ایجاد چنین تشکیلاتی را نداشتند، دسترسی به منابع مالی بدین صورت ممکن نبود و بسیاری از اموال شیعیان هدر می‌رفت و در جای خود صرف نمی‌شد. امام کاظم (علیه السلام) با وجود اینکه در حبس بودند از طریق شبکه وسیع وکالت به رفق و فتق امور شیعیان می‌پرداختند که هم اموال جمع‌آوری و هم بر همان مجرای که صلاح می‌دانستند مصرف می‌شد.

در نظام اقتصادی اسلام چنین اصلی وجود دارد که باید مدیریت واحد وجود داشته باشد که تنها از طریق حکومت اسلامی و ولی فقیه می‌توان در اموال تصرف کرد و دیگران نیز از مجرای او باید حرکت کنند. چنان که برخی بزرگان معتقدند که تمام اموال خمس و زکات باید به دست ولی فقیه برسد و مراجع دیگر اذن در تصرف ندارند، چون به اعتقاد برخی صرف اجتهاد برای تصرف در آن کافی نیست (حسینی تهرانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲: ۵۷). علاوه بر اجتهاد به مدیریت واحد نیاز است تا با نگاهی کلان نیازهای جامعه اسلامی را بشناسد و بعد از شناخت اهم و مهم نماید و سرمایه‌ها را در بهترین مجرا صرف کند.

۲-۳. جذب سرمایه‌های بعید الوصول

از جمله چالش‌های اساسی در باب اقتصاد این است که چگونه می‌توان منابع مالی عظیمی را که در جامعه به راحتی قابل دستیابی نیستند به دست آورد تا از طریق آن اوضاع اقتصادی جامعه را بهبود بخشید. سازوکارهای تربیت دینی و اخلاق اسلامی یکی از پاسخ‌های اساسی برای چنین چالشی است، چرا که این سازوکارها منجر به تقویت باورهای دینی می‌شود (بابازاده خراسانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۵-۹۶) و نظام تأمین مالی متفاوتی را برای جامعه اسلامی فراهم می‌کند به گونه‌ای که متدینان بر آن می‌شوند سرمایه‌های خود را در اختیار فرد یا نهادی قرار دهند که از لحاظ دینی موجه است تا در قبال چنین عملی به وظایف دینی خود عمل کرده باشند.

گاهی علت ترجیح نظام‌های مالی اسلامی بر غیراسلامی تنها بر وجوه اعتقادی و تعبدی صرف منحصر نمی‌شود، بلکه وجوه عقلایی نیز از چنین قراردادهایی حمایت می‌کند، چنان که تجربیاتی با رویکرد اقتصاد آزمایشگاهی نشان داده است که انسان‌ها هنگامی که با

قراردادهای مشارکتی اسلامی مواجه می‌شوند، انگیزه بیشتری برای پابندی دارند تا هنگامی که با قراردادهای غیراسلامی همچون وام ربوی مواجه می‌شوند چرا که نوعاً آن‌ها را منصفانه‌تر ارزیابی می‌کنند (همان).

حضرت کاظم (علیه السلام) تشکیلات نفوذی در دربار بنی العباس ایجاد کردند که بسیار عجیب است و نوع ارتباط ایشان با این تشکیلات عجیب‌تر است. یکی از شیعیان ائمه (علیهم السلام) شخصی به نام یقطین است که در دربار منصور و هادی عباسی بود و بعد از رحلت او علی بن یقطین به وزارت می‌رسد. این شخص علاقه و نوع ارتباطش با حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) به رغم جاسوس‌هایی که خلفای بنی العباس و به خصوص هارون الرشید داشتند یکی از عجایب است که با زیرکی خاصی از بغداد با مدینه در ارتباط بوده و جزئیات امور را به مدینه منتقل می‌کرده و دستور از امام (علیه السلام) به صورت سری می‌گرفته است (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱: ۳۷۹).

یکی از کارهایی که حضرت توسط علی بن یقطین انجام می‌دادند، مصارف اموالی بود که در دربار وجود داشت چون مدیریت چنین اموالی در اختیار او بود و خازن و مسئول بیت المال منصور، هادی و مهدی بود و تعدادی از شیعیان در دربار بنی العباس نفوذ کرده بودند که با همکاری یکدیگر اموالی که به دربار می‌رسید و امکان داشت به گونه‌ای مصرف شود که هارون اطلاع نیابد به فقرای شیعه می‌رساندند. زمانی که علی بن یقطین از امام موسی کاظم (علیه السلام) می‌خواهد که از این منصب استعفا کند، حضرت مانند ایشان را در آن منصب بهتر می‌دانند. در بسیاری از موارد علی بن یقطین از شیعیان اموالی را با عنوان مالیات از آن‌ها دریافت و یادداشت می‌کرد که چنین مالیاتی دریافت شد و شبانه با گروهی که داشت اموال را به شیعیان برمی‌گرداند. علاوه بر اینکه شیعیان فقیر را شناسایی می‌کردند و اموال دربار را تا حد امکان به آن‌ها می‌رساندند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۳۳۵).

جذب کردن سرمایه‌های پراکنده و سرمایه‌هایی که در دست ظالمان و تبهکاران قرار دارد ولو به صورت سری و علنی یکی از مؤلفه‌های اجتماعی در الگوی اقتصادی اسلامی است که از فعالیت حضرت کاظم (علیه السلام) می‌توان استنباط و در عرصه تحقق اقتصاد مقاومتی از این مؤلفه استفاده کرد.

۳-۳. کیفیت صرف سرمایه‌ها برای فقرزدایی

یکی از مسائل اساسی در باب اقتصاد این است که چگونه می‌توان از سرمایه‌های موجود در جهت رفع مشکلات مالی جامعه بهترین استفاده را کرد به گونه‌ای که فاصله طبقاتی میان دهک‌های جامعه به حداقل ممکن برسد.

در دین مبین اسلام از جمله ابزار مالی بسیار مهم، دریافت خمس و زکات است که می‌تواند نقشی بسزا در رفع فقر در جامعه اسلامی داشته باشد. چنان که در این زمینه مقالات گوناگونی تألیف شده تا نقش چنین ابزارهای بسیار مهمی در ایجاد تعادل در اقتصاد اسلامی را نشان دهند (زارع و پژومان، ۱۳۹۸؛ عسگری، ۱۳۹۸؛ حسن‌شاهی، ۱۳۹۸). علاوه بر اینکه یکی از اهداف تشریع دین تحقق عدالت و رفع فقر در جامعه است که یکی از راه‌های آن توزیع مناسب و عادلانه درآمد در جامعه اسلامی است (زارع و پژومان، ۱۳۹۷: ۱۳۴).

نوع و کیفیت مصرف سرمایه‌ها در زندگی امام کاظم (علیه السلام) فارغ از مدیریت کلان اقتصادی و جلب سرمایه‌ها الگوی اساسی مستقلی را نشان می‌دهد. چنان که از سیره ائمه این چنین به دست می‌آید که سرمایه‌های مالی اگر به صورتی توزیع شود که فقرا بتوانند خودکفا و مستقل شوند بهتر از آن است که سرمایه مذکور میان تعداد بیشتری توزیع شود بدون آنکه هیچ کدام در زندگی خود استقلال پیدا کنند در حالی که ممکن است این گونه تصور شود که اگر به فقرای بیشتری احسان شود ثواب بیشتری خواهد داشت چرا که افراد بیشتری بهره‌مند می‌شوند.

سرّ چنین توصیه‌ای در این است که مال مذکور زمانی که میان فقرا سرشکن شود فقر هیچ‌گاه ریشه‌کن نمی‌شود، اما اگر همان سرمایه به یک فقیر داده شود، بر اساس آن سرمایه می‌توان زندگی مستقلی را پدید آورد و نیاز فرد را برای همیشه تأمین کرد. این روش اگرچه در کوتاه‌مدت آثار کمی را از خود بروز می‌دهد، اما در درازمدت می‌تواند از جامعه اسلامی فقرزدایی کند.

بنابراین، روش انفاق ائمه (علیهم السلام) این گونه بود که سرمایه‌ای را که به دست آن‌ها می‌رسید به میزانی به فقیر بدهند تا سرمایه کار به دست آورد و بی‌نیاز شود. چنان که حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) پیش شخصی می‌آید که ناراحت است و علتش را جویا می‌شود که شخص می‌گوید امسال زراعت کرده بودم و هندوانه، خیار و کدو کاشته بودم همه محصولات در اوان برداشت بود که ملخ‌ها حمله کردند و تمام زراعت را تار و مار کردند، ۱۲۰ دینار بدهکار شدم و دو شتر بیشتر ندارم که با فروش آن دو بدهی‌ام پرداخت نمی‌شود. نه سودی برای زندگی خودم و نه سرمایه‌ای برای کار باقی مانده است. حضرت به غلام خود دستور دادند ۱۵۰ دینار نقدی به شخص بدهد تا علاوه بر پرداخت بدهی بتواند با بقیه آن به کار خود ادامه دهد (اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۲: ۲۱۷). در تاریخ مشهور است که امام کاظم (علیه السلام) کیسه‌هایی داشتند که به صرار موسی مشهور شده بود (طبرسی، ۱۳۹۰ ق: ۳۰۷؛ جزائری، ۱۴۲۷ ق، ج ۲: ۲۸۹) که از ۲۰۰ تا ۳۰۰ دینار تقسیم شده بود و به حسب نیاز به خانواده‌ها پرداخت می‌شد و این طور معروف بود که خانواده‌ای که موسی بن جعفر به وی صره پرداخت کنند فقیر نخواهد بود. بر اساس چنین سیره‌ای در شرایط فعلی باید برای افراد زمینه کار فراهم شود تا بتوانند مستقل شوند و زندگی خود را به تنهایی مدیریت کنند.

البته در کنار آن انفاق‌های جزئی به کسانی که اصلاً نمی‌توانند کار کنند مثل فقرایی که زمین گیرند یا زن تنهایی است یا افرادی که ضرورت فعلی دارند در جای خود در سیره ائمه (علیهم السلام) همچون امام کاظم (علیه السلام) محفوظ است (جزائری، ۱۴۲۷ ق، ج ۲: ۲۸۹). امام کاظم (علیه السلام) به فقرایی که این چنین بودند هر چند روز یک بار غذا می‌رساندند، چراکه اگر به این افراد سرمایه‌ای برای کار داده شود باز هم زمینه کار کردن برای‌شان به وجود نمی‌آمد.

۱. «ذكر جماعة من أهل العلم أن أبا الحسن (عليه السلام) كان يصل بالمائتي دينار إلى الثلاثمائة و كان صرار [صرراً] موسی مثلاً»
 ۲. «كان يتفقّد فقراء المدينة ليلاً فيحمل إليهم الزبيل فيه العين و الورق و الادقة و التمور فيوصل إليهم ذلك و لا يعلمون من أي جهة هو»

۴. نتیجه‌گیری

سیره امام کاظم (علیه السلام) در ابعاد فردی و اجتماعی در حوزه اقتصاد در شرایط کنونی که جوامع جهانی با مشکلات اقتصادی فراوانی روبه‌رو شده‌اند قابل الگوگیری است، به گونه‌ای که ابعاد فردی آن را باید تک‌تک افراد جامعه مد نظر قرار دهند؛ بدین صورت که فرهنگ زهد و قناعت و ترک نیازهای باطل و بیهوده از سویی به عنوان اقدامی پیشگیرانه در جهت رفع مشکلات اقتصادی لحاظ شود و از سوی دیگر با شناخت نیازهای واقعی افراد در زندگی با کار و تلاش در پی حل آن برآمد و از افرادی که در این زمینه ناتوان هستند دستگیری کرد تا با برخورداری از رحمت و برکت الهی به واسطه چنین اعمال صالحه‌ای هر یک از اشخاص در تحقق اقتصاد اسلامی نقشی از خود باقی بگذارند. بعد اجتماعی الگوهای اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) هم به تشکیلات حکومت اسلامی مربوط می‌شود تا با بهره‌گیری از تشکیلات وکلا و ثمرات آن در پی مدیریت کلان مسائل اقتصادی و جذب سرمایه‌های نایاب برآید و با توجه به امکانات مالی به دست آمده و دستگیری کامل از فقر از زمینه‌های فقرزدایی در جامعه اسلامی را فراهم آورد. در صورت نبود حکومت اسلامی نیز این الگوهای اقتصادی کلان در اجتماعاتی خردتر قابل پیگیری است اگرچه تأثیرات چنین الگوهایی در اجتماعات خردتر به جهت کوچک بودن چنین مجموعه‌هایی کمتر است. چنان‌که اگر در زمان حیات امام کاظم (علیه السلام) حکومت اسلامی برقرار می‌شد و امام کاظم (علیه السلام) حاکم چنین حکومتی می‌شدند این فعالیت‌های اقتصادی کلان از تأثیرات شگرفی برخوردار می‌شد و می‌توانست الگوی اقتصادی مناسب برای حکومت‌های اسلامی کنونی باشد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: کتاب فروشی داوری.
- (۱۴۱۵ق). المقنع. قم: مؤسسه امام مهدی.
- (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). مناقب آل أبی طالب. قم: انتشارات علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۹ق). إقبال الأعمال. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). عدة الداعی و نجاح الساعی. قم: دار الکتب الإسلامیه.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمة فی معرفة الأئمة. تبریز: انتشارات بنی هاشمی.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). المکاسب المحرمة و البیع و الخیارات. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بابازاده خراسانی، بهزاد؛ فرزین‌وش، اسدالله؛ سبحانی، حسن؛ فاطمی اردستانی، سید فرشاد. (۱۳۹۸). «نقش سازوکارهای اعمال قرارداد در تمایز میان نظام تأمین مالی اسلامی و متعارف». فصلنامه اقتصاد اسلامی. دوره ۱۹. شماره ۷۶. صص: ۸۹-۱۱۸.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۱ق). حلیۃ الأبرار فی أحوال محمد و آلہ الأطهار. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- (۱۴۱۳ق). مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله. (۱۴۱۳ق). عوالم العلوم و المعارف و الأحوال. قم: مؤسسه الإمام المهدی.
- بروجرودی، حسین. (۱۳۸۶). جامع أحادیث الشیعه. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- بهشتی، مهدی؛ علیزاده، امیر خادم. (۱۳۹۹). «امکان‌سنجی استفاده از روش آزمایشگاهی در اقتصاد اسلامی (با تأکید بر مبانی معرفت‌شناختی استاد مطهری)». فصلنامه اقتصاد اسلامی. دوره ۲۰. شماره ۷۷. صص: ۲۷۳-۳۰۰.
- پاک‌نیا، عبد‌الکریم. (۱۳۸۳). «امام کاظم علیه السلام اسوه صلابت و ظلم ستیزی». مجله میلغان. شماره ۵۷. صص: ۴۰-۵۱.
- پورفرد، مسعود. (۱۳۹۲). «راهبرد امام کاظم علیه السلام در برابر هژمونی حاکمان عباسی». مجله تاریخ اسلام. شماره ۵۳. صص: ۴۷-۸۲.
- تفضلی، فریدون. (۱۳۷۲). تاریخ عقاید اقتصادی. تهران: نشر نی.
- جداری عالی، محمد. (۱۳۹۸). «معیار اخلاقی تولید در نظام اقتصادی اسلام». فصلنامه اقتصاد اسلامی. دوره ۱۹. شماره ۷۴. صص: ۶۵-۸۷.
- جزائری، نعمت‌الله بن عبد‌الله. (۱۴۲۷ق). ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- جلونگر، محمدعلی؛ نجاتی، محمد سعید. (۱۳۹۴). «بررسی رویکردهای سیاسی و معنوی امامت شیعه در زندگی

- امام کاظم (علیه السلام). *مجله تاریخ اسلام*. شماره ۶۱. صص: ۷-۳۰.
- حسن شاهی، مرتضی. (۱۳۹۸). «برآورد میزان تأثیر خمس و زکات بر منحنی لورنز و ضریب جینی». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. دوره ۱۹. شماره ۷۵. صص: ۷۹-۱۰۷.
- حسینی، سید جواد. (۱۳۹۹). «بخشش‌ها و انفاق‌های مالی امام کاظم (علیه السلام)». *مجله مبلغان*. شماره ۲۶۱. صص: ۵۰-۶۱.
- حسینی، سید حمید؛ رستنده، مسعود؛ یعقوبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۹). «اخلاق اقتصادی از منظر قرآن کریم با تکیه بر راهبردهای روان‌شناختی». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. دوره ۲۰. شماره ۷۷. صص: ۵-۳۴.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین. (۱۴۲۸ق). *ولایت فقیه در حکومت اسلام*. مشهد: انتشارات علامه طباطبائی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۸ق). *الفصول المهمة فی أصول الأئمة*. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه السلام).
- —————. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- —————. (۱۴۱۴ق). *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة*. مشهد: آستانة الرضویة المقدسه.
- حلی، علی بن یوسف. (۱۴۰۸ق). *العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- الحویزی، عبد علی بن جمعة. (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- خمینی، روح الله. (۱۳۵۶). *نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطا*. بی‌جا: بی‌نا.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۰۸ق). *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*. قم: مؤسسه آل البيت.
- راوندی، سعید بن هبة الله. (۱۴۰۷ق). *الدعوات / سلوة الحزین*. قم: انتشارات مدرسه امام مهدی.
- زارع، هاشم؛ پژومان، سودابه. (۱۳۹۸). «ارتباط منابع درآمدی از طریق پرداخت زکات؛ شرطی برای یک اقتصاد تعادلی اسلامی». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. دوره ۱۹. شماره ۷۳. صص: ۱۲۳-۱۵۳.
- سلیمانزاده، رامینه؛ مؤمنی، فرشاد؛ عزیزاده، امیر خادم؛ پاداش، حمید. (۱۳۹۸). «رهیافت نشانه‌شناختی به توسعه در اقتصاد اسلامی، با تأکید بر دیدگاه‌های شهید مطهری و شهید صدر». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. دوره ۱۹. شماره ۷۶. صص: ۵-۳۳.
- سوری، محمد. (۱۳۹۲). «واکاوی متون زهد و بررسی ارتباط مشایخ صوفیه با امام کاظم (علیه السلام)». *مجله تاریخ اسلام*. شماره ۵۳. صص: ۱۷۰-۱۵۳.
- شاهرخی، سید علاءالدین. (۱۳۹۹). «بررسی روابط بر مکان با امام کاظم (علیه السلام) و خاندانش». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. شماره ۳۲. صص: ۵۹-۸۳.
- شریفی، عنایت. (۱۳۹۰). «اخلاق اقتصادی از منظر قرآن کریم». *پژوهشنامه معارف قرآنی*. دوره ۲. شماره ۴. صص: ۲۷-۵۸.
- شمخی، مینا؛ باجی، نصره. (۱۳۹۳). «علوم قرآنی در بیان امام کاظم (علیه السلام)». *مجله بینات*. شماره ۸۱. صص: ۱۷۳-۱۸۸.
- صادقی اردستانی، احمد. (۱۳۹۳). «امام کاظم (علیه السلام) و استدلال به آیات در احکام فرعی». *مجله بینات*. شماره ۸۱. صص: ۴۳-۵۲.

- _ طباطبایی، سید محمد کاظم؛ بهرامی، علی رضا. (۱۳۹۱). «جستاری در آسیب شناسی چالش های آغاز امامت امام کاظم (علیه السلام)». *مجله امامت پژوهی*. شماره ۸. صص: ۷۳-۱۰۶.
- _ طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*. مشهد: نشر مرتضی.
- _ طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ق). *إعلام الوری بأعلام الهادی*. تهران: انتشارات اسلامی.
- _ طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵ق). *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*. نجف: المكتبة الحیدریة.
- _ طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- _ عراقیان، حمیده؛ اسدیگی، اردشیر؛ دلیری، شهریانو. (۱۴۰۰). «اقدامات امام کاظم (علیه السلام) در راستای اثبات امامت ایشان در منابع شیعه و اهل سنت». *مجله شیعه شناسی*. شماره ۷۳. صص: ۹۱-۱۰۸.
- _ عسگری، محمد مهدی؛ محمدی پور، احمد. (۱۳۹۸). «مفهوم فقر اقتصادی و تبیین راهکار زکات در رفع آن». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. دوره ۱۹. شماره ۷۵. صص: ۵۱-۷۸.
- _ علوی عاملی، احمد. (۱۳۹۹ق). *مناهج الأخبار فی شرح الإستبصار*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- _ عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*. تهران: المطبعة العلمیه.
- _ کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیه.
- _ فتال نیشابوری، محمد بن احمد. (۱۳۷۵). *روضة الواعظین و بصیرة المتعظین*. قم: انتشارات رضی.
- _ فراهانی فرد، محمدعلی؛ پارسانیا، حمید. (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی عقل گرایی در اقتصاد متعارف و حکمت عملی اقتصاد اسلامی». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. دوره ۲۰. شماره ۷۷. صص: ۹۱-۱۲۰.
- _ قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی*. قم: دار الکتب.
- _ مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _. (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- _ مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). *روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- _. (۱۴۱۴ق). *لوامع صاحبقرانی*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- _ مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. قم: کنگره شیخ مفید.
- _ همت بناری، علی. (۱۳۷۷). «رهنمودهای تربیتی امام کاظم (علیه السلام)». *مجله فرهنگ کوثر*. شماره ۱۶. صص: ۹-۱۲.

منابع اینترنتی

- _ خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲/۱۱/۲۹). *ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»*. در سایت فارسی خامنه‌ای به نشانی: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۱۴۰۱/۱۰/۴>. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۴.
- _. (۱۳۹۱/۶/۲). *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت*. در

سایت فارسی خامنه‌ای به نشانی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id>. تاریخ مشاهده:

۱۴۰۱/۱۰/۴.

_____ (۱۳۹۱/۵/۳). *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام*. در سایت فارسی خامنه‌ای به

نشانی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id>. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۴.